



تلفراف- صخره نور دی بر روی آبشاری یخ زده، در سرمای بی سابقه انگلستان

فرانس پرس- مانور خنثی کردن تهدیدات تروریستی در استادیوم افتتاحیه و اختتامیه المپیک زمستانی ۲۰۱۸، کره جنوبی



نشنال جئوگرافیک- خرس قطبی، نشسته روی آخرین یخ های در حال ذوب شدن اقیانوس اطلس

دنیای به روایت تصویر

در محضر بزرگان

اساسی ترین عامل شکست انسانیت

علامه جعفری درباره هدف داشتن و متعهد بودن انسان در زندگی می فرمایند:
«اغلب انسان ها به دلیل نبود محاسبه در تمایلات و خواسته های خود، در دام های پولادین زندگی می کنند و با تمام ساده لوحی یا ریاکاری، نامش را زندگی آزادانه می گذارند. ایده آل زندگی عبارت است از: ایاری و شکوفا کردن آرمان های زندگی گذران از چشمه سار حیات تکاملی، انسان و جهان را در خود یافتن و به ثمر رساندن شخصیت انسانی در حرکت به سوی ابدیت.
بشر با همه داد و فریادهایی که درباره پیشرفت و تکامل به راه انداخته، هنوز نتوانسته است خود را از زندان خودخواهی نجات بدهد. اساسی ترین عامل شکست انسانیت در دوران ما، به شوخی گرفتن و بی اعتنایی به موضوع تعهد است. انسان منهای تعهد یعنی هیچ و پوچ.»

تبیان

فتوشعر انتظار



احکام

شیری که باعث محرمیت می شود

محمد علی ندائی - یکی از راه های محرمیت، شیر خوردن کودک از زن است که در اصطلاح فقهی به آن «رضاع» می گویند. سوالی که در این جا مطرح می شود آن است که اگر زنی نه از طریق فرزندآوری صاحب شیر شود، بلکه با قرص خوردن شیردار شود، آیا چنین شیری هم موجب محرمیت است یا نه؟ حضرت آیت ... سیستانی در استفتایی این گونه شیر را موجب محرمیت ندانسته اند.
پرسش: اگر زن و شوهری نوزادی را به فرزندی خود قبول کنند و زن قرص های ویژه ای بخورد تا شیر در سینه او تولید شود و از آن شیر، آن نوزاد تغذیه کند، آیا نوزاد به آن زن و شوهر محرم می شود یا خیر؟
پاسخ: محرم نمی شود.

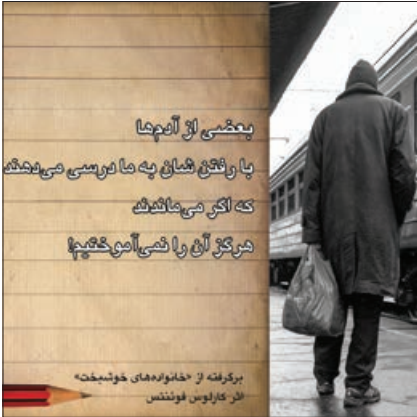
ریشه ضرب المثل

از کوره در رفتن

این مثل در مواردی به کار می رود که فردی به سرعت و به شدت خشمگین شود، اما ریشه این مثل به آهنگری های قدیم برمی گردد. آن وقت ها کوره آهنگری برای جدا کردن آهن از سنگ گداخته آهن به کار می رفت. برای گداختن سنگ آهن، قاعده این است که درجه حرارت کوره آهنگری را به تدریج بالا می برند تا آهن سرد به آرامی داغ شود. دلیل این کار هم این است که اگر بعضی از انواع سنگ های آهن را در معرض حرارت شدید و ناگهانی قرار دهند، با صدای مهیبی منفجر و از کوره به بیرون پرتاب می شوند یا اصطلاحا از کوره در می روند. افراد عصبی مزاج هم اگر در معرض حوادث قرار بگیرند، آتش خشمشان چنان زبانه می کشد که مانند همان آهن گداخته از کوره اعتدال خارج می شود.

بر گرفته از «ریشه های تاریخی امثال و حکم» گردآوری مهدی پرنوی

بریده تصویری



اندک صبر

او آمده بود

او نیامده بود
که فقط از دل ما رَد بشود...
آمده بود
آبادی را ویران کند
که تا به ابد بر این ویرانه
نامی، یادای، خاطراتی
باقی بماند...

علی رجبی

دور دنیا

آتش سوزی صد ساله!



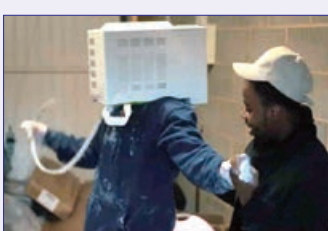
آدیتی سنترال - یکی از معادن زغال سنگ «چهرند» در هندوستان که حدود صد کیلومتر مربع را در بر می گیرد، بیش از صدسال است که به طور مداوم می سوزد! این معادن از ۱۸۰۰ شروع به کار کرده اند و اولین گزارش آتش سوزی در سال ۱۹۱۶ ثبت شده است. مردم به این امید که آتش را بالاخره خاموش می کنند در معادن کار می کردند و عده زیادی تا کنون کشته شده اند، اما شعله های این آتش هنوز هم از صد سال پیش در این معدن باقی است و هر از چندی، قسمتی را به خاکستر تبدیل می کند.

خانه های حبابی



آدیتی سنترال - در سال ۱۹۸۴ در هلند، معماری تصمیم گرفت تا خانه های مسکونی به شکل خانه های آدم فضایی ها بسازد، اما از هرگز فکرش را هم نمی کرد که خانه هایش آن قدر راحت باشند که تا امروز دوام بیاورند. این خانه های عجیب و غریب به شکل دایره ساخته شده اند و دارای چندین پنجره در بالای خانه هستند. این خانه ها از طراحی خانه های حبابی که قرار بود در سال های نابودی زمین در فضا ساخته شود، الهام گرفته اند.

حرکت دیوانه وار برای شهرت



شین هوا - به نظر می رسد که این روزها مردم برای جلب توجه در شبکه های اجتماعی دست به هر کاری می زنند! «جیم سینگر» ۲۲ ساله از انگلستان به کمک دوستانش قصد داشت برای ۱۵ دقیقه سرش را درون مایکروفر فرو ببرد، اما اتفاق وحشتناکی افتاد و دوستانش نتوانستند سر او را از مایکروفر نجات دهند. در نهایت با کم کردن حرارت این دستگاه بعد از یک ساعت و نیم به کمک نیروهای اورژانس و آتش نشانی این جوان نجات یافت.

ترسانک

سرگرمی زیرزمینی

برعکس برادرش که از زیرزمین می ترسید و از آن جا فرار می کرد، عاشق بازی کردن در زیرزمین و رفتن به هر بهانه ای برای آوردن وسایل از آن جا بود. خانه قدیمی بود و در زیرزمین وسایل پیرزن صاحبخانه که فوت کرده بود قرار داشت تا تکلیف ورته روشن شود. همین باعث شده بود پدر و مادرش تعجب کنند یک دختر بچه چرا علاقه دارد هی به زیرزمین تاریک و شلوغ خانه برود و ساعت ها آن جا بازی کند. فکر می کردند برای خراب کاری می رود، ولی هیچ اثری از به هم ریختگی وسایل زیرزمین نمی دیدند.
تا این که یک شب که عروسکش را بغل کرده بود و اصرار داشت برود از زیرزمین شیشه ترشی را بیاورد، پدرش هم آهسته پشت سرش رفت تا بفهمد چه چیزی در آن جا دخترک را این قدر مجذوب خودش کرده. پدر یواشکی می دید که دختر در را باز کرد، چراغ را روشن کرد و از پله ها پایین رفت. پدر از لای نرده ها دید دختر زیر لب چیزی می گوید. پایین رفت و روی آخرین پله نشست. عروسکش را به سمت تاریکی گرفت. عروسک توی هوا معلق ماند. دختر ک خندید.
علیرضا کاردار

کله چفوقی

آق کمال آشتی می دهد

شب تا رسیدم خانه و هنوز کفش هامه در نیاورده بودم، عیال با روی خوش آمد جلو و گفت: «خسته نباشی، صبر کن، نیا تو، تا همین سر کوچه بریم و بر گردیم.» یعنی با ای لحنش اگه بعد از چهل و هشت ساعت ورپا واستادن تو کارگاه و زیر برف آجر نیمه بالا انداختن و بدون عاینک جوشکاری کردن، بعد که میام خانه ازم بخواد یک سر برم تا کره ماه پیاده و برگردم، با کمال میل مُرم. داشتم پاشنه کش منداختم پشت کفشم که پرسیدم: «مخی کجا برم عزیزم؟» در حالی که داشت بخاری ره کم میکرد تا وقتی نیستم الکی گاز حروم نره و چراغ های اضافه ره خاموش میکرد، گفت: «تولد یاسمن دختر خاله ام فرداست، عصر دعوت مون کرد، بریم به چیزی براش بخریم.» انا حالا خوب رفت! تولد هر کی بود با یک دسته گل یا اسیری، سر و تهش هم می آمد. ولی تولد ای یاسمن خانم با ای چیزا راه نمی افته.

اعصایم خرد رفته بود و نزدیک بود شُلپستی با پاشنه کش بزنم تخت سُرُم که آمد بیرون و گفت: «لازم نیست چیز گرونی بخریم. بریم به شالی، چیزی بگیریم و برگردیم.» باز دوباره مو ره خراب مراش کرد. الکی خالی بستم که: «شال که بده، یک چیز گرون تر بخرم براشان.» گفت: «نه، دبر خبر داده، یک سر می ریم کاروو رو می دیدم زود برمی گردیم.» اوه یادُم آمد! اپنا از عید نوروز و سر دید و بازدیدها بین شان شکرآب رفته بود. چی خوب!

سوار رفتم و گفت برم همی مغازه حاشیه خیابون یک چیزی سمبل ختم و برگردم. هرچی بالا و پایین کردم دیدم نمشه. الان بهترین موقعه که ای دو تا ره با هم آشتی بدم. گفتم: «مخی برم او بونیکه که تازه وا رفته؟» چشماش برق زد ولی گفت: «نه، اونجا گرونه. از همین مغازه به چیز ارزونی می گیرم.» «ارزون که زشته، الان هم بهترین وقته که کدورتا ره ببریزن دور...» نفهمیدم چی شد که ای جمله هم پشت بندش آمد به زبونم: «بری شیرینی آشتی کنون، شما هم یک کادو مهمون مو، هرچی خواستی بخر» هم ای ره گفتم، گل از گلش خاستی و گفت: «آخ قربون شوهر گلم برم من که می دونه چقدر دوست دارم این مغازه جدیدو ره ببینم. بریم» انا حالا خوب رفت! لعنت به دهانی که بی موقع وا بره. ولی سمیدم و پنجاه و هشت هزار تومن ارزش آشتی دادن دو تا دختر خاله ره داشت!

آق کمال

تا حالا دقت کردین



ایده و اجرا: کاردار و مرادی

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

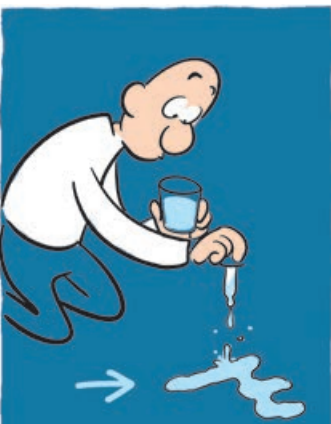
« آق کمال؛ به نظر تو چه سببیلی به مو مخوره؟ هیتلری، چاپلینی، شاعیاسی یا امیر شهلایی؟! »
آق کمال: داداش مو شماره ندیدم که نظر بدم. هر جور مخی سببیل بذار!
« خدایا! ما را قانونمند کن نه قارون مند! »
« آق کمال داروی سرماخوردگی، آنتی هیستامین ها و مسکن ها هم از فهرست داروهای تحت بیمه خارج شد. در داروخانه شما چیز به درد بخوری که تحت بیمه باشه پیدا می شه؟ »
آق کمال: داروخانه که مال مو نیست، مال خُشرومه، ولی علی الحساب شما شلغم و لیمو شیرین ره فروش نکن، تا وقتی که اونایم گیرون نرفتن!
« به طور محسوسی کیفیت زندگی سلام خیلی خوب شده. از صفحه اول گرفته تا مشاوره و همشهری سلام...و تنوع، شکل و قیافه و کیفیت مطالب خیلی رشد کردن. بهتون تبریک می گم و امیدوارم این روند ادامه داشته باشه. »
« همسر عزیزم از زحمات شبانه روزی ات برای من و فرزندانمان صمیمانه سپاسگزارم. سال های سال سایه ات بر سر ما باشد. »

«چلوک» بود یا «ا»!

سلام. چندپایمک داریم با جواب. فعلا!
* ۰۹۱۵۲...۷۹۲: گهی متوسط هستی و گهی آسان می شوی خفتک/ حسین
- لطف شما رجزخوان ها مستدام!
* ۰۹۱۵۹...۱۹۱: خفن جان سلام. با مسابقه ۲۰۶ ثابت کردی اگه بخوای خیلی راحت میتونی همه رو ناک اوت کنی . منم با این همه سابقه نتونستم از عهده اش بریام . جریمه اش هم از دست دادن یک دور بازی بود. نه؟!
- گاهی باید به حالی از مخاطبایی که زیاد رجز می خون گرفت به هر حال!
* ۰۹۱۵۷...۵۷۳: چلو کبابی بینا. مدال آوران / واسه تصویر اول به چیزی مثل (ط) گذاشته بودی ولی ما که هرچی گشتیم کلمه معنادار دیگه ای نیافتیم. به جورایی داری جاده خاکی میزنی ها جاش خفن!
- شما که جواب رو درست فرستادین! ولی بازم دلباش رو منوجه نشدین؟! «چلوک» بود یا «ا» که شد چلو کبابی.

1sargarmi.ir

می تونین زیر هر تصویر، یه کلمه معنادار با چاشنی شوخ طبعی بنویسین؟
خب ما این کارو کردیم براتون! فقط هر حرف الفبای روبه یه علامت ر مز تبدیل کر دیم. تا ساعت ۲۳ به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ سه کلمه رو پیامک کنین . جایزه نقدی به قید قرعه برای شما که پاسخ صحیح سه مسابقه پیاپی رو دادین! پاسخ توی ستون «ما و شما»ی بعدی و اطلاعات بیشتر هم توی وب سایت 1sargarmi.ir هست.



= | ÷ } - × !



! * (-



÷ ! × *